گالری جهان

شانگهای‌دیلی؛ چین از ژاپن جلو افتاد

اقتصاد برای چینی‌ها مهم‌تر از نان شب است. آنها صبح تا شب، شب تا صبح می‌دوند تا لقب بزرگ‌ترین اقتصاد جهان را از آن خود کنند. تا اینجا که دویده‌اند، ژاپن را پشت سر گذاشته‌اند و این طور که روزنامه شانگهای‌دیلی خبر می‌دهد، شده‌اند دومین اقتصاد بزرگ جهان. این موضوع تیتر یک روزنامه شانگهای‌دیلی را به خود اختصاص داده است. پروژه رقابت ادامه دارد و چینی‌ها می‌خواهند تا سال ۲۰۲۵ جای امریکا را در لیست بزرگ‌ترین و برترین‌ها بگیرند. در صفحه اول شانگهای‌دیلی عکسی چاپ شده با موضوع سوگواری برای استاد فیزیک کالج شانگهای. پروفسور کیان دیچانگ در ۹۸سالگی درگذشته و بنیانگذار تدریس فیزیک و ریاضی جدید در چین بوده است. او یکی از سه محقق چینی بوده است که در کشورهای دیگر تحصیل کرده‌اند و به چین بازگشته‌اند. در صفحه اول شانگهای‌دیلی تیتر خبری دیده می‌شود با این موضوع: «به کارگیری سیاست دوفرزندی در چین درست است؟» توضیحی درباره این خبر چاپ نشده است. دیگر اینکه شانگهای‌دیلی خبر می‌دهد سیل در پاکستان جان ۴۳۰ نفر را گرفته است.

واشنگتن‌پست؛ نام چه کسی در لیست است؟

خواننده‌های واشنگتن‌پست از آن دست خوانندگانی هستند که خیلی مسائل جدی روز را دنبال نمی‌کنند. دست‌کم صفحه اول این روزنامه در روزهای آخر هفته بیشتر در اختیار مسائل بامزه، تفریحی با چاشنی سیاست و اقتصاد است. عکس یک واشنگتن‌پست، حول و حوش خانه کلینتون‌ها را در نیویورک نشان می‌دهد. خانه کلینتون‌ها این روزها شلوغ و پررفت و آمد است. دختر خانواده (چلسی) می‌خواهد ازدواج کند و حواشی این ماجرا نگاه دوربین‌ها را به خود جلب کرده است. واشنگتن‌پست در تیتر گزارش مربوط به این سوژه می‌نویسد: «چه کسی تو لیست دعوت کلینتون‌ها است؟ چه کسی می‌داند؟» می‌گویند میلیاردر مشهور و دوست خانوادگی کلینتون‌ها، آقای جان کاتسیما تیریس یکی از آن نام‌های دعوت‌شده است. نکته جالب اینکه کلینتون گفته «من برای برگزاری این مراسم حدود ۱۵ پاند (حدود هفت کیلو) لاغر شده‌ام.» برای چاشنی اقتصاد روزنامه هم گزارشی از رشد کند اوضاع اقتصادی امریکا بعد از به‌کارگیری سیاست‌های اصلاحی و تغییر در صفحه اول این روزنامه دیده می‌شود.

واشنگتن‌تایمز ویکلی
دادگاه‌ها باید امن و سالم باشند

دوباره ماجرای برخورد با مهاجران غیرقانونی در ایالت آریزونا افتاده سر زبان مردم این ایالت و دیگر شهروندان امریکایی. اعتراض‌های خیابانی دوباره اوج گرفته و مخالفان از دولت می‌خواهند، جلوی قانون SB1070 (قانون برخورد با مهاجران غیرقانونی) را بگیرد. قانون جدید آریزونا با مهاجران غیرقانونی، هرگونه برخورد را مجاز می‌شمرد و با آنها همان‌گونه رفتار می‌کند که با مجرمان جنایی و مواد مخدر و دیگر جرم‌ها. مردم امریکا این‌طور که صفحه اول واشنگتن‌تایمز هفتگی نشان می‌دهد دست به دامن دادگاه‌های ایالتی شده‌اند و از قضات خواسته‌اند دست‌کم فضای دادگاه را امن و سالم نگه دارند تا جریان محاکمه این مهاجران غیرقانونی، بی‌تنش برگزار شود. آریزونا در جنوب امریکا یکی از مهاجرپذیرترین ایالات این کشور است. مهاجران هم عموماً غیرقانونی و به شکل قاچاق وارد این منطقه می‌شوند. آنها بیشتر از میان شهروندان امریکای لاتین، مکزیک، کوبا و گهگاه آفریقایی- امریکایی‌ها هستند. شهروندان معترض به قانون SB1070، از اوباما خواسته‌اند شعارهای دوران تبلیغات و کاندیداتوری‌اش را به یاد بیاورد. او از طرح عفو عمومی و بخشش سراسری حرف زده بود.

ایندیپندنت؛ چرت و پرت

روزنامه ایندیپندنت چاپ انگلیس، در تیتر و عکس یک خود، عصبانیت و کلافگی انگلیس و جامعه عمومی این کشور را نشان می‌دهد. تیتر یک «حرف یاوه و مفت» یا همان چرت و پرت است که در واقع واکنش جامعه عمومی انگلیس است به اتفاقی که این روزها درباره جنگ و پرونده‌های سری افغانستان افتاده است. ایندیپندنت در عکس یک هم تعدادی سرباز کشته و زخمی را نشان می‌دهد که در جنگ عراق به این حال و روز افتاده‌اند. در توضیح تیتر نوشته شده: «بیش از صد هزار شهروند غیرنظامی و ۱۷۹ سرباز انگلیسی در جنگ عراق کشته شده‌اند. رابطه میان غرب و مسلمانان هم که به هم خورده، رفتارهای خشونت‌بار و تروریستی هم که افزایش داشته است. حالا دنبال این هستیم که رسوایی حمله به عراق و افغانستان را توجیه کنیم؟ چه توجیهی؟ توجیه مشتی حرف یاوه و مفت است.» در صفحه اول روزنامه ایندیپندنت خبر و گزارش دیگری دیده نمی‌شود، جز چند کادر آگهی. موضوع جنگ و پرونده‌های لورفته باعث نگرانی جامعه انگلیس شده است.

گزارش یک

تحصیل یانکی‌ها در دانشگاه‌های کوبا

ترجمه: عباس زندباف

کوبا و ایالات متحده روابط پرتنشی دارند. کشور جزیره‌ای کوبا از سال ۱۸۹۸ که استقلال خود را از اسپانیا به دست آورد تا انقلاب ۱۹۵۹ به رهبری حقوقدان سابق و چریک جوان و پرجوش و خروشی به نام فیدل کاسترو مستعمره غیررسمی ایالات متحده بوده است. طی ده‌ها سالی که از آن دوران می‌گذرد کوبا و ایالات متحده بارها رو در روی هم ایستاده‌اند. این رویارویی‌ها با ملی کردن شرکت‌های امریکایی در کوبا آغاز شد و پس از آن هم اشغال نصف و نیمه خلیج خوک‌ها توسط ایالات متحده، بحران ختم به خیر شده استقرار موشک‌های هسته‌ای شوروی در کوبا و تحریم اقتصادی و منزوی‌سازی سیاسی کوبا توسط ایالات متحده تا به امروز فرا رسید. بنابراین پیوند میان شهروندان کوبایی و امریکایی آسان نبوده است. (برخی از کوبایی‌های ساکن امریکا از اینکه امریکایی به شمار نمی‌آیند دلخور هستند.) طبق قانون کنونی ایالات متحده به جز در موارد استثنایی مشخص و انگشت‌شمار، مسافرت شهروندان این کشور به کوبا غیرقانونی است. یکی از این موارد استثنایی هم مسافرت تحصیلی است. هم‌اکنون گروه کوچکی از دانشجویان امریکای شمالی در خیابان‌های هاوانا گردش می‌کنند، در کلاس‌های درس شرکت می‌کنند، به کنسرت‌های موسیقی می‌روند، پیتزای کوبایی می‌خورند و در جاده خوش‌منظره مالکون در کرانه تنگه فلوریدا در هاوانا پرسه می‌زنند. آناسا هیکس سالیان سال آرزوی سفر به کوبا را در سر داشته است. او دانش‌آموز دبیرستانی در شهر دیترویت بود که شنید دانشگاه کالیفرنیای شمالی دانشجویانی را برای تحصیل به کوبا می‌فرستد و از همان هنگام بود که تصمیم گرفت وارد دانشگاه کالیفرنیای شمالی بشود و به آرزوی خود دست یابد. هیکس هم‌اکنون همراه ۱۳ نفر دیگر در دانشگاه هاوانا درس می‌خواند. جینا برونو از نیوجرسی آمده است یعنی ایالتی که پس از فلوریدا بیشترین جمعیت امریکایی‌های کوبایی را دارد. برونو در سراسر زندگی‌اش با کسانی سروکار داشته که به کوبا علاقه فراوانی داشته‌اند و به لطف برنامه دانشگاه کارولینای شمالی توانسته است خودش کوبا را از نزدیک ببیند. پدر «پیتر پوسادا» یک ماه پس از به قدرت رسیدن کاسترو در هاوانا به دنیا آمده است ولی وقتی حکومت انقلابی در سال ۱۹۶۹ پدربزرگ پیتر را به زندان انداخت پدر پیتر از کوبا خارج شد. یعنی پیتر ریشه‌ای کوبایی دارد اما هیچ گاه معنای کوبایی بودن را درک نمی‌کرد و اکنون همراه هشت تن از هم‌دوره‌ای‌هایش از دانشکده برلینگتون به کوبا آمده است تا ریشه‌هایش را بهتر بشناسد. هم‌اکنون دانشگاه هاوانا که قدیمی‌ترین دانشگاه کوبا است با همکاری ۱۲ دانشگاه و دانشکده امریکای شمالی میزبان دانشجویان خارجی است. از این تعداد ۹ دانشگاه امریکایی هستند. این همکاری از سال ۲۰۰۰ آغاز شده است و در حال حاضر دانشگاه هاوانا میزبان نزدیک به ۱۰۰ دانشجوی خارجی است. این بده بستان فرهنگی به دانشجویان امریکایی فرصتی یگانه داده است تا در کشوری زندگی کنند که کمتر کسی بخت مسافرت به آن را دارد. به یادماندنی‌ترین خاطره هیکس طی اقامت در کوبا شرکت در کنسرت خیابانی گروه آواز لس‌آلدیانوس معروف‌ترین گروه هیپ‌هاپ کوبا است. چنان جمعیت زیادی به خیابان آمده بود که هیکس ناچار شد از بام ساختمانی در نزدیکی محل کنسرت آن را تماشا کند. پوسادا سراغ تجربه‌ای نه چندان هیجان‌انگیز اما گویای زندگی کوبایی‌ها رفته است یعنی ایستادن در صف دراز نان کوپنی. از خودش می‌پرسید رسیدن به یک قرص نان ارزش معطل شدن در صفی دراز را دارد. چاره‌ای نداشت هم گرسنه بود و هم عاشق نان کوبایی. دانشگاه هاوانا در سال ۲۰۰۴ با ۹ دانشکده امریکایی همکاری داشت و در آن هنگام بیش از ۲۰۰ برنامه تحصیلی امریکایی‌ها در کوبا در حال اجرا بود. این مجموعه شامل برنامه‌های کوتاه‌مدت زیادی هم بود مثل دوره‌های تابستانی و گردش علمی. اما دولت جرج بوش در همان سال خط مشی سختگیرانه‌تری در قبال کوبا در پیش گرفت و برنامه‌های تحصیلی هم مشمول مقررات سفت و سخت‌تری شد. از جمله مقرر شد که برنامه‌های تحصیلی دست کم باید ۱۰ هفته‌ای باشند و دانشگاه‌ها فقط باید دانشجویان واقعی خودشان را می‌فرستادند نه هر دانشجوی مهمان یا پاره‌وقت را. محدودیت‌های جدید اثر منفی زیادی بر تبادلات آموزشی ایالات متحده با کوبا گذاشت و اکثر برنامه‌ها به علت عدم تطابق با شرط‌های جدید متوقف شدند. به طوری که بلافاصله بعد از اجرای مقررات جدید فقط سه یا چهار برنامه بر جا ماند. اما اوضاع در سال‌های اخیر دوباره رو به گشایش گذاشته است. به طوری که در نیم‌سال کنونی در کل ۶۲ دانشجو از ۹ دانشکده ایالات متحده در حال تحصیل در کوبا هستند. از سرگیری این برنامه‌های دانشگاهی بخت آن را برای جوانان فراهم آورده است تا با کشوری آشنا شوند که در اکثر مواقع با ایالات متحده در کشمکش بوده است. آلیسا واسکوئز که از دانشگاه آمریکن به کوبا آمده است، می‌گوید: «آنچه در ایالات متحده راجع به کوبا می‌شنویم خیلی با واقعیت فرق دارد. فضا در کوبا بسیار بازتر از آن است که گمان می‌کردم.» بنابراین تعجبی ندارد که زیستن در کوبا برای اکثر دانشجویان خارجی شگفت‌انگیز باشد. برونو می‌گوید: «از سر ساده‌لوحی فکر می‌کردم که در کوبا فقط خودروهای فورد و شورلت مدل دهه ۱۹۵۰ وجود دارد. وقتی که خودروهای جدیدتر را در کوبا دیدم به راستی حیرت کردم. هرچند که اکثر خودروهای جدید دولتی هستند.» پوسادا می‌گوید: «به راستی از نبود فقر در کوبا متعجب شدم. من به لیما پایتخت پرو و مکزیک هم سفر کرده‌ام. آن کشورها پر از گدا بود. در حالی که در کوبا خبری از گدا نیست. به راستی تعجب کردم.» ۶۲ دانشجویی که هم اکنون در کوبا درس می‌خوانند در کنار آشنا شدن با حقایق می‌توانند به بهبود روابط ایالات متحده و کوبا نیز کمک کنند.

campusprogress.org

عکس یک: چین

تکنولوژی‌های از رده خارج هنوز هم بازار دارند. حتی در کشوری که مدعی است تا ۱۵ سال دیگر ابرقدرت اقتصادی جهان خواهد بود. این روزها سربازان چینی برای مقابله با سیلاب و رانش زمین فراخوانده شده‌اند. آنها به کمک نیروهای امداد و نجات رفته‌اند بلکه بتوانند راهکاری برای مسدود کردن راه آب‌های وحشی و سیلابی پیدا کنند و مانع تخریب زمین‌های کشاورزی و خانه‌های کشاورزان شوند. در بازگشت از ماموریت سربازان چینی با همین پنکه‌ها که در تصویر می‌بینید، تجدید قوا می‌کنند و گرمای تابستان را تاب می‌آورند. محلی‌ها و روستایی‌ها پنکه‌هایشان را به سربازخانه‌ها فرستاده‌اند تا به سربازها کمک کنند خنک شوند. در روزگار ایرکاندیشنرها چینی‌ها با پنکه‌های قدیمی سر می‌کنند. جالب اینجاست که بیشتر این محصولات جدید خانگی حاصل کار چینی‌ها در کارخانه‌های بزرگ تولید لوازم الکترونیک خانگی است. چینی‌ها تنها کار می‌کنند و با سختکوشی چرخ بزرگ اقتصادشان را می‌چرخانند. تسهیلات و امکانات از آن دیگران است. حکومت بسته و جمعیت زیاد چینی‌ها دو مانع بزرگ ارائه امکانات و رفاه به این جامعه قانع و سختکوش است.

AFP

گالری جهان

لیبراسیون؛ پس فرزند شما چی؟

سارکوزی رئیس‌جمهور فرانسه دوباره در سخنرانی‌اش دسته‌گل به آب داده است و باعث شده لیبراسیون این تیتر طعنه‌آمیز و تند و تیز را برایش به کار ببرد؛ «پس فرزند شما چی؟» سارکوزی درباره جرم و جنایت‌هایی که در فرانسه اتفاق افتاده، گفته: «منشاء اینها فرانسوی نیست. هیچ‌کدام، از فرانسوی‌ها و فرانسوی‌زاده‌ها این کارها را نمی‌کنند و کار، کار مهاجرها و ملیت‌های دیگر است.» لابد می‌دانید کارلا برونی همسر سارکوزی ایتالیایی است و در حال حاضر پسری نوجوان و ایتالیایی از همسر قبلی‌اش دارد که در کاخ الیزه همراه با سارکوزی زندگی می‌کند. لیبراسیون در تیتر یک خود به رئیس‌جمهور می‌گوید که حواس‌اش به دور و برش باشد، چراکه افراد داخل کاخ الیزه فرانسوی نیستند. راستش را بخواهید خود نیکلا سارکوزی هم تباری مجاری دارد. عکس یک لیبراسیون هم دونده جوان و قهرمان این کشور را در رقابت‌های بارسلون نشان می‌دهد. کریستف لمانز در ۲۰۰ متر سرعت، اول شده است. شاید لیبراسیون و دیگر روزنامه‌های فرانسوی به خاطر اینکه رسوایی‌های تیم ملی فوتبال را فراموش کنند، عکس او را در صفحه اول کار کرده‌اند.

الشرق‌الاوسط
نشست بیروت اعمال فشار خارجی را رد کرد

عکس یک روزنامه عربستانی الشرق‌الاوسط، به زعم این روزنامه ثبت لحظه‌ای است تاریخی. یک سوی این عکس، بشار اسد نشسته، در کنارش ملک عبدالله، میشل سلیمان، نبیه بری و سعد حریری. دو نفر آخر، رئیس مجلس و نخست‌وزیر لبنان هستند. کار لبنان بالا گرفته. شائبه اعمال فشار عامل خارجی در دادگاه بررسی فاجعه ترور رفیق حریری در سال ۲۰۰۵ به وجود آمده است. اعراب تصمیم گرفته‌اند همان‌طور که سفت و سخت پای مذاکرات مستقیم فلسطین و اسرائیل ایستادند و از طرف اسرائیلی خواستند ضمانت کتبی بدهد که زیر حرف‌هایش نزند، غائله لبنان را هم ختم کنند و کار را در آرامش انجام دهند. تمام صفحه یک روزنامه عرب‌زبان الشرق‌الاوسط در اختیار این نشست است. در حاشیه گزارش الشرق‌الاوسط درباره سفر به بیروت آمده است: ملک عبدالله برای دیدار با سعد حریری به خانه‌اش رفته است. اعراب دوست ندارند میان سوریه و لبنان شکرآب‌تر شود و گرهی دیگر روی گره کور خاورمیانه بسته شود. ماجرای فلسطین و اسرائیل که بیش از ۶۰ سال است شروع شده، یقه همه کشورهای خاورمیانه را گرفته و ساکنان این منطقه خوش ندارند سوژه‌ای دیگر هم آنها را درگیر کند.

تاگس‌اشپیگل؛ روسیه ناتوان

اتفاقی که این روزها در اعماق جنگل‌های روسیه جریان دارد، عکس یک روزنامه آلمانی تاگس اشپیگل است. گرمای بیش از حد هوا که می‌گویند در ۱۳۰ سال گذشته روسیه بی‌سابقه بوده، باعث آتش‌سوزی در جنگل‌های این کشور شده است. این فاجعه تا امروز جان ۲۳ نفر را گرفته و هنوز مهار نشده است. بیخود نیست که تاگس‌اشپیگل تیتر می‌زند «روسیه ناتوان». هزاران نفر از این مناطق مسکونی اطراف جنگل‌ها فرار کرده‌اند و نگران خانه‌هایشان هستند. مساحت محل فاجعه چیزی حدود ۸۶۶ کیلومتر مربع و هم‌اندازه شهر برلین پایتخت آلمان است. این را رئیس ستاد حوادث غیرمترقبه روسیه گفته است. عکس یک تاگس اشپیگل، مردی را خسته و ناامید نشان می‌دهد که در حوالی منطقه سوخته نشسته و می‌داند با آن ظرف آبی که جلویش هست، نمی‌شود جلوی فاجعه را گرفت. گزارشی هم درباره نیروهای تندرو و خشونت‌طلب پاکستان که این روزها نام‌شان در کنار سوژه افشای پرونده جنگ افغانستان قرار گرفته، در صفحه اول این روزنامه دیده می‌شود. تاگس‌اشپیگل می‌نویسد این گروه‌ها در پاکستان قدرتمند هستند و چیزی مانع قدرت‌شان نیست.

پنجاه سال کیهان، اطلاعات

زندان رفتن برای من مهم نیست

فرنوش آباء

اطلاعات، ۱۱ مرداد ۱۳۳۹

عکس یک اطلاعات، اعضای اصلی انجمن نظارت انتخابات را نشان می‌دهد. «قاتلی در میدان سپه، به دار آویخته شد.»

خواهر قاتل که مادر مقتوله نیز هست، ابتدا به پای محکوم افتاد و شروع به گریه کرد و بعد به برادرش گفت: ببین مرگ چه لذتی دارد؟ چرا فرزند دلبند مرا کشتی؟ یکی از اعضای احزاب تبلیغ جالبی برای خود می‌کند:«من کاندیدای ملت ایرانم. بعداً مرا خواهید شناخت.» «حراج بی‌سابقه در فروشگاه بازیل، کوچه برلن». اجناس حراج‌شده همه از محصولات کارخانه‌های بزرگ ایتالیایی هستند. کشف نفت در گرگان باعث شده «فعالیت‌های نفتی در گرگان، توسعه می‌یابد.»

«دکتر جادوگر»؛ این دکتر ایرانی در امریکا، دکتر جادوگر لقب گرفته است. چرایش را ما هم نفهمیدیم. ظاهراً دکتر زبردستی بوده است. توضیح دیگری درباره این تیتر نوشته نشده است. سوفیا لورن در رم فریاد زد: «زندان رفتن برای من مهم نیست. ولی هیچ کس نمی‌تواند مرا از شوهرم جدا کند.»

خبر علمی جدید: «هر روز، ۱۰ هزار تن به وزن کره زمین اضافه می‌شود.» پیش‌بینی یک بازیگر در مورد خودش: چارلی چاپلین: «تا پایان عمر فیلم تهیه می‌کنم.» «راه کنار دریا، آسفالت می‌شود.» از رشت تا رامسر آسفالت شد و آسفالت از رامسر تا چالوس هم به زودی پایان می‌یابد. یک مژده از نوع تابستانی: «کیم پرتقالی و لیمویی، هدیه تازه کارخانجات بستنی کیم.» «صدور روغن نباتی ایران به آلمان.» اختراع جدید: «دکتر تقی میرسپاسی توانسته دستگاهی اختراع کند که به سوالات پیچیده جواب می‌دهد.»

این سوالات در مغز الکتریکی مطرح می‌شود و ظرف مدت کوتاهی جواب می‌دهد. عکس مربوط به خبر تصویر دکتر میرسپاسی را نشان می‌دهد که با لباس کارش رو به دوربین لبخند زده. خبری از بنگاه حمایت مادران: «هم‌اکنون بنگاه حمایت مادران در تهران دارای یک زایشگاه، دو درمانگاه، یک قسمت مامایی سیار و یک آموزشگاه پرستاری است.» در واکنش به اقدامات جنگجویانه عبدالناصر مصری: «در تهران تظاهراتی علیه عبدالناصر انجام شد.» «زنی به جای دوستش به زندان رفت.» از وقایعی که کمتر اتفاق می‌افتد. آذر به نام ربابه دوستش، از زندان به دادگاه آمد. ولی قبل از صدور رای اعتراف کرد متهم شخص دیگری است و به خاطر انجام وظیفه دوستی به زندان رفته است.

کیهان، ۱۱ مرداد ۱۳۳۹

خبری از اللهیار صالح، همان منتقد معروف دولت: «اللهیار صالح به کمک توده‌ای‌های سابق و اخلالگران از مردم کاشان سلب آزادی کرده است.»

نخست‌وزیر در یک مصاحبه مطبوعاتی: «کاندیداهای حزب مردم، تقاضاهای نامشروعی از ماموران دولت داشتند.»

او در ادامه گفته چون این تقاضاها انجام نشده، فریاد می‌زنند انتخابات، آزاد نیست. عرب‌ها بایکوت می‌شوند: «مسوولیت قطع روابط ایران و مصر منحصراً متوجه جمال عبدالناصر است.» گم شده: «دو تن از اعضای سازمان امنیت ملی گم شده‌اند.» این دو دانشمند امریکایی به کوبا گریختند. انعکاس مبارزات انتخاباتی ایران در جهان. اختراع جدید و شگفت‌آور امریکایی‌ها: «امریکا بشقاب‌پرنده می‌سازد.»

اسم این بشقاب‌پرنده، آوروکار است. لیسانس خانه‌داری بگیرید: «امسال رشته خانه‌داری دانشسرای عالی، ۳۰ دانشجوی دختر می‌پذیرد.»

به فارغ‌التحصیلان پس از سه سال، گواهینامه لیسانس داده می‌شود. نقاش ایرانی می‌گوید: «برای ادامه هنر نقاشی، اول کت، بعد شلوار و در آخر زیرپیراهنم را فروختم.» «از خون جوانان وطن لاله دمیده.» نه اشتباه نکنید، این شعار جبهه‌های جنگ نیست، تکه‌ای از اخبار سال ۱۳۵۷ هم نیست.

این جمله که یک صفحه کامل کیهان را به خود اختصاص داده، مربوط به تبلیغ حزب ملیون است. تصویر نقاشی‌شده یک شهید روی زمین که کنار آن نوشته شده: خونبهای شهیدان گلگون‌کفن، یک ایران غنی و آباد است.

«هفت میلیون متر مربع از اراضی اوین موقوفه آستان قدس شناخته شد.» عده‌ای از اهالی اوین نزدیک به ۳۰ سال بود ادعای مالکیت این زمین‌ها را داشتند. «وقتی کودک ۱۳ساله راننده شود.» عباس، فرزند اکبرقصاب، پشت ماشین‌سواری پدر نشسته و هنوز چند قدمی نرفته بود که بچه پنج‌ساله‌ای را زیر گرفت. پدر عباس به جای او به زندان رفت.

زمین سوخته

کاغذ اخبار؛ اولین روزنامه ایران

حسین میرزایی (سپهرآزاد)

میرزاصالح شیرازی از نخستین محصلین اعزامی به اروپا که به گواه سفرنامه‌اش ابتدا نمی‌دانست کدام دانش را بیاموزد که به حال ایران مفید واقع شود، عاقبت در کنار تحصیل زبان‌های خارجی فن چاپ و حروفچینی آموخت و بانی روزنامه و روزنامه‌نگاری در ایران شد. شماره اول کاغذ اخبار که بعضی آن را پیش‌شماره می‌دانند- چون حاوی اعلان انتشار روزنامه بود- در رمضان ۱۲۵۲ قمری برابر با ژانویه ۱۸۳۷ میلادی همزمان با سال سوم سلطنت محمدشاه قاجار در تهران منتشر شد. روزنامه اسمی بر خود نداشت. کاغذ اخبار نامی است که بعدها به آن داده‌اند و ترجمه تحت‌اللفظی newspaper است که گروهی از ایرانیان از جمله خود میرزاصالح برای نامیدن روزنامه‌های اروپایی به کار می‌بردند. بنابراین کاغذ اخبار نامی عام برای همه نشریات بود اما چون نخستین روزنامه ایران نامی نداشت، بعدها نام خاص آن روزنامه شد. کاغذ اخبار ماهی یک بار منتشر می‌شد، در دو برگ به قطع ۲۴ در ۴۰ که تنها یک روی آنها متن بود و روی دیگرشان سفید. چاپ آن سنگی بود. بالای صفحه اول روزنامه تصویر شیر و خورشید قرار داشت، متن روزنامه به خط نستعلیق بود و عنوان‌ها که به جای تیتر به کار می‌رفتند و در واقع محل وقوع خبر را معلوم و آن را از خبر بعدی جدا می‌کردند به خط نسخ نوشته می‌شد. اخبار در روزنامه به صورت تک‌ستونی چاپ می‌شد و هیچ تصویری در متن صفحات موجود نبود. کاغذ اخبار ظاهراً آگهی هم نداشت و هرچند در اعلام نامه انتشار آن آمده بود که روزنامه به اطراف و اکناف فرستاده خواهد شد اما بهایی برای آن قید نشده بود، بنابراین نشانه‌ای از اینکه نشریه به فروش می‌رفته موجود نیست. کاغذ اخبار دست‌اندرکاران انتشار خود را معرفی نکرده و سمت سردبیری میرزاصالح شیرازی تنها به گواه منابع خارجی پذیرفته شده است. در اعلام نامه انتشار که در شماره اول آن چاپ شده نیت انتشار روزنامه همت ملوکانه برای تربیت رعایای ایران عنوان شده است. یک صفحه از کاغذ اخبار به اخبار ممالک شرقی که خبرهای داخلی را هم شامل می‌شد و یک صفحه به اخبار ممالک غربی اختصاص داشت. به نظر یک سفرنامه‌نویس انگلیسی که در زمان انتشار کاغذ اخبار در ایران بود سطح اخبار روزنامه نازل بوده و شباهت به مطالب یکی از روزنامه‌های چاپ لندن داشته است. در شماره اول کاغذ اخبار ۱۶ خبر و در شماره دوم ۱۲ خبر (چهار خبر داخلی و هشت خبر خارجی) درج شده بود. از نسخه‌های کاغذ اخبار تنها یک نسخه از نخستین شماره در ایران و دو نسخه از شماره‌های دیگر در کتابخانه بریتانیا به جا مانده است. در نسخه‌های یافت‌شده اخبار موفقیت یک ایرانی از فرنگ برگشته در کاغذسازی، ساخت یک باروتخانه توسط یک ایتالیایی در ایران، بازگشت سفیر ایران در اسلامبول، ساخت کشتی بخار جدید در نیویورک و جنگ‌های طولانی جانشینی سلطنت در اسپانیا را می‌توان دید. برخی از پژوهشگران حدس می‌زنند که کاغذ اخبار دست‌کم به مدت یک سال منتشر می‌شده اما برخی از جمله اقبال آشتیانی دوره انتشار این نخستین روزنامه ایران را سه سال می‌دانند. سندی درباره دلیل توقف انتشار کاغذ اخبار در دست نیست.

پارت پولاد
تولیدکننده درب و پنجره‌های عایق یو پی وی سی
با شیشه‌های دو و سه جداره بوسیله ماشین‌آلات تمام اتوماتیک آلمانی
۴۰% کاهش هزینه مصرف برق و گاز

تعویض پنجره‌های آهنی بدون نیاز به تخریب و رنگ آمیزی
www.bayaco.com
تلفن: ۷۹ ۷۹ ۷۵ ۸۸ - ۹۸ ۳۰ ۷۵ ۸۸ - ۰۵ ۸۶ ۷۶ ۸۸ - ۵۶۹ ۵۰۰ ۸۸ (۰۲۱)
فکس: ۲۸ ۲۱ ۷۵ ۸۸ (۰۲۱) وب سایت: www.partpoolad.com ایمیل: info@partpoolad.com